



حکومت ساسانیان

راز فروپاشی تمدن‌ها از نگاه خسرو انوشیروان

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۲ خرداد ۱۳۹۲ - ۵ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

مسکویه در کتاب تجارب‌الامم می‌نویسد که چون خسرو انوشیروان کارهای کشور را از تباهی پیرایش کرد، سرداران، بزرگان، مرزبانان، هیربدان، موبدان و گزیدگان را به نزد خویش فراخواند و با ایشان چنین سخن گفت: «ای مردم، هوش و گوش خویش به من بسپريد و اندرز من بشنوید. من برای پس راندن دشمنانتان و نگاهداری شما و راست‌آوردن کار کشورتان از آغاز شهریارى خود همچنان شمشیر بر خود آویخته، گاه در دورترین جای خوراسان، گاه در آن سوی خوربدان، گاه در نیمروز و گاه در سوی اباختر، همواره آماج شمشیرها و نیزه‌ها بوده‌ام و هموار



مسکویه در کتاب تجارب‌الامم می‌نویسد که چون خسرو انوشیروان کارهای کشور را از تباهی پیرایش کرد، سرداران، بزرگان، مرزبانان، هیربدان، موبدان و گزیدگان را به نزد خویش فراخواند و با ایشان چنین سخن گفت:

«ای مردم، هوش و گوش خویش به من بسپريد و اندرز من بشنويد. من برای پس راندن دشمنانتان و نگهداری شما و راست‌آوردن کار کشورتان از آغاز شهریاری خود همچنان شمشیر بر خود آویخته، گاه در دورترین جای خوراسان، گاه در آن سوی خوربردان، گاه در نیمروز و گاه در سوی اباختر، همواره آماج شمشیرها و نیزه‌ها بوده‌ام و همواره در بالارفتن و فروآمدن از کوه‌ها و پیمودن زمین‌های هموار و ناهموار به سر بردم و در دشواری و بیم، شکیبایی فرو نهشتم و سرما و گرما و هراس دریاها و آسیب بیابان‌ها را بر خود هموار ساختم تا سرپیچی‌ها بخوابانیدم و در زندگی‌تان فراخی پدید آوردم و شما را به سربلندی و آنچه بدان دست یافته‌اید رسانیدم، چنان‌که سپاس خدای را، به برترین نواخت‌ها و بیش‌ترین سرافرازی‌ها و آسودگی‌ها رسیده‌اید.

...

دشمنانی دیگر و سرسخت‌تر

لیک، شما را هنوز نیز دشمنانی برجای‌اند که در شماره، اندک و در فرّ و شکوه بسیار باشند. من برای شما از اینان بیش از دشمنان دیگر بیمناک باشم که اینان در شکستن‌تان و چیره‌شدن بر شما، نیرومندتر از آن دشمنان شمشیرزن نیزه‌انداز چابک‌سوار باشند که بر آنان پیروز شده‌اید. اگر شما ای مردم، چنان‌که با آن دشمنان جنگیده‌اید و بر آنان تنگ گرفته‌اید و پیروز شده‌اید، بر این دشمن دوم نیز پیروز گردید، آن‌گاه است که به پیروزی و نیرومندی و سربلندی و روزی فراخ و برتری و همداستانی و مهربانی و یکرنگی و آسیب‌ناپذیری راستین رسیده‌اید و اگر کوتاهی کنید و سستی ورزید و این دشمن بر شما چیره آید، دیگر آن پیروزی را که در چهار سوی کشور در خوراسان و خوربران

و نیمروز و ابaxter، بر دشمنان داشته‌اید پیروزی مپندارید. بدانید که دشمنان شما از توران و رومیان و هندوان و دیگران، اگر بر شما پیروز می‌آمدند، هرگز چنان آسیب نمی‌زدند که این دشمن، اگر بر شما چیره شود، بر شما زند. چه این یک، سرسخت‌تر و نیرنگ‌بازتر و کارش دشوارتر از آن دشمنان دیگر باشد.

ای مردم، چون در کار دارا و پیروزی و چیرگی او بر شاهان و مردمان و دست‌یافتن او بر سرزمین‌ها بیندیشیدم و نگرستم که وی چون کار همین دشوار استوار نکرد چگونه با آن همه پیروزی‌ها و چیرگی‌ها، خود و سپاهیان وی نابود شدند زیرا که دارا به آنچه شهریاری بدان راست آورده بود و فرمانروایی بدان استوار داشته بود و بر دشمنان بدان چیره شده بود و بدان به نواخت‌های بسیار رسیده بود و در چهارسوی جهان سربلند و سرفراز شده بود، بسنده نکرد و سخن‌چینی را نیز بر مایه‌ی کار خویش بیفزود و در جست‌وجوی نیرومندی و توانمندی بیش‌تر، سرکشی کرد و رشک ورزید. چنان‌که تهیدستان نیز بر توانگران و فروپایگان بر نژادگان رشک بردند و در گیر و دار ناهمداستانی و پراکندگی‌ها و پدید آمدن کینه‌ها و بالاگرفتن دشمنی‌ها، اسکندر بر ایشان بتاخت و کار بدان جا کشید که سر نگهبانان او، همان کسی که دارا پاسداری از جان خویش بدو سپرده بود، وی را بکشت. این نبود مگر از بدخواهی و کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌ها و ناهمدلی‌هایی که توده‌ی مردم را فراگرفته بود و کار اسکندر را آن کرده بود. من از آن روز پند گرفتم و اینک از آن یاد کرده‌ام.

با خویشتن بجنگید

پس ای مردم، اینک که در ناز و رامش به سر می‌برید، دیگر از پراکندگی و سرکشی و رشک آشکار و بدگویی و سخن‌چینی، سخنی نشنوم که یزدان خوی ما را و کشورداری ما را از این پلیدی‌ها بیالوده و شهریاری ما را از آن برتر داشته است. کار هیچ مردم یا شهریاری که این خوی‌های پلید در آنان آشکار باشد، هرگز راست نمانده است. نخستین چیزی که من از شما دور می‌سازم و دور می‌افکنم همین خوی‌هاست که دشمن‌ترین دشمنان شما باشند. ای مردم، آنچه یزدان هم با درستی و پارسایی و شایستگی به ما ارزانی داشته، ما را از آنچه بدین خوی‌های پست‌کننده و بی‌شگون به دست آید، بی‌نیاز کرده است. پس مرا در این پیکار یار باشید و با خویشتن بجنگید که چیرگی بر دشمنان درون، از چیرگی بر توران و روم مرا خوش‌تر و شما را سودمندتر است.

ای مردم، هرکه این خوی‌ها را در میان ما زنده کند، آزمایشی را که در جنگ با دشمنان ما از خود نشان داده تباه ساخته است. بدانید بهترین شما ای مردم کسی است که آزمایش گذشته‌ی خویش را بدین آزمایش بپیوندد و ما را با پیکاری که با خوی‌های زشت خویش کند، یاری دهد. بدانندی که هر کسی که زبون این دشمن گردد، آن یک نیز بر او چیره شود و هرکه بر این پیروز گردد، بر آن یک نیز پیروز شود. زیرا تنها با مهر و دوستی و یکرنگی است که به سربلندی و نیرومندی و فرمانروایی توان رسید، که رشک بردن و زینهارخواری و سخن‌چینی و پراکنده‌دلی، مایه‌ی خواری و ناتوانی و نابودی در دو جهان است. پس بدان چه فرموده‌ایم چنگ زنید و از آن‌چه بازتان داشته‌ایم بهره‌ییزید و بدانید که هیچ نیرویی جز به یزدان نباشد.

با تهیدستان همدردی کنید و بی‌نوایان را بنوازید و پاس همسایگان بدارید و با بیگانگانی که در میان شما زیند، به نیکی رفتار کنید که آنان در پناه ما و زینهار ما باشند. بر ایشان ستم نکنید، زورگویی مکنید، در تنگناشان منهید که سختگیری، سرپیچی آورد. اگر آزاری از ایشان ببینید شکیبایی کنید و زینهار و پیمان‌تان را پاس بدارید و خوی‌های

نیکی را که از آن یاد کرده‌ام نگاه دارید که ما هیچ شهریاری و مردمی را ندیده‌ایم که جز با فروهستن این خوی‌های نیک، نابود شده باشند، یا کارشان جز بدان راست آمده باشد، و ما در هر کاری جز به یزدان پشتگرم نباشیم.

برگرفته از: مسکویه، ابوعلی رازی. تجارب‌الامم. ترجمه‌ی دکتر ابوالقاسم امامی. تهران: سروش،

مترجم: دکتر ابوالقاسم امامی

برای آشنایی با خسرو انوشیروان به این نوشتار مراجعه کنید (اینجا کلیک کنید)

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «راز فروپاشی تمدن‌ها از نگاه خسرو انوشیروان»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1276/pdf/راز-فروپاشی-تمدن-ها-از-نگاه-خسرو-انوش>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹